

مناسبات فرهنگی ایران و عربستان سعودی در سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ش. براساس اسناد آرشیوی

چکیده:

به دنبال سفر ملک فیصل به ایران در آذر ۱۳۴۴/نوامبر ۱۹۶۵ یک قرارداد فرهنگی بین ایران و عربستان سعودی به امضاء رسید. در ۲۳ فورردین ۱۳۴۶ نیز یک هیئت فرهنگی به ریاست دکتر هدایتی، وزیر آموزش و پرورش ایران، به جدّه سفر کرد و دومین قرارداد فرهنگی دو کشور نیز امضاء شد. امضاء این قراردادها پایهٔ مناسبات فرهنگی دو دولت در سالهای آتی شد. بر همین اساس، مناسبات فرهنگی ایران و عربستان سعودی را در بین سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی نمود: اعطای بورسهای تحصیلی و تبادل دانشجو و پشاهنگ، دیدار شخصیتها و هیئتهای فرهنگی، همکاریهای علمی و فرهنگی، ورزش و هدایای فرهنگی. البته موضوع حج و زیارت به دلیل گستردگی حجم آن، در این مقاله مورد بررسی قرار نگرفته است.

کلید واژه: ایران - عربستان سعودی - مناسبات علمی و فرهنگی.

ایران و عربستان سعودی در منطقه استراتژیک خلیج فارس، دو سرپل به حساب می آیند. عاملی که روابط این دو کشور را در سطح مناسبات منطقه‌ای تعیین کرده و می‌کند، نفت است که توسط سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) سامان می‌یابد، اما روابط این دو دولت در سطوح دیگری مانند روابط فرهنگی، اقتصادی، بازرگانی و... از متغیرهای سیاسی منطقه تأثیر می‌پذیرد، پس اعتبار، عمق و دوام این روابط به اعتبار متغیرهای سیاسی بستگی دارد.

در دهه ۱۹۶۰ دو متغیر سیاسی مهم در سطح منطقه و جهان، روابط ایران و عربستان سعودی را شکل داد؛ ظهور پر قدرت جمال عبدالناصر در مصر و به چالش طلبیدن رژیم‌های محافظه کار منطقه، به ویژه دو نظام پادشاهی ایران و عربستان سعودی. تبلیغات برنامه‌ریزی شده رادیو مصر که همواره خواهان سرنگونی رژیم سلطنتی عربستان بود و دولت ایران را عامل امپریالیسم معرفی می‌کرد، سبب هم‌گرایی ایران و عربستان سعودی شد.

از سوی دیگر حکومت کارگری بریتانیا در آغاز سال ۱۹۶۸ برنامه خروج نیروهای نظامی خود را از خلیج فارس اعلام نمود. این متغیر نیز به نوبه خود نزدیکی ایران و عربستان را موجب شد، زیرا خلاء قدرت ناشی از خروج نیروهای انگلیسی می‌توانست دولتهای طرفدار غرب را آسیب پذیر کرده و تقویت رژیم‌های طرفدار بلوک شرق را موجب شود. به همین دلیل دولت ایران کوشید با انرژی بیشتری مناسبات خود را در زمینه تجارت و بازرگانی با کشورهای همسایه، به ویژه عربستان سعودی توسعه دهد.

در این مقاله، روابط فرهنگی ایران و عربستان سعودی در سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ش مورد بررسی قرار می‌گیرد. بیشتر منابعی که در مورد روابط دو کشور مطالبی را در خود دارند، به مناسبات دو کشور در ارتباط با نفت و روابط منطقه‌ای پرداخته‌اند. نویسنده این مقاله با پژوهش در فهرست کتب سازمان یونسکو (تا اواخر دهه ۱۹۹۰)، به اثری که روابط ایران و عربستان سعودی را در همه ابعاد، از جمله از دیدگاه مناسبات فرهنگی مورد بررسی قرار داده باشد، برخورد.

در این مقاله بیشتر از منابع آرشیوی، به ویژه اسناد آرشیو وزارت امور خارجه ایران و خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (خبرگزاری پارس سابق) استفاده شده است. البته اسناد

موجود گویای همه مناسبات موجود و ارتباط آنها نیستند.

در سال ۱۳۴۶ش/۱۹۶۷ قرارداد فرهنگی ایران و عربستان سعودی که طرح آن در زمان مسافرت ملک فیصل* به ایران تهیه شده بود، به امضاء رسید. هیئت فرهنگی ایران به ریاست دکتر هدایتی، وزیر آموزش و پرورش، در ۲۳ فروردین ۱۳۴۶ برای یک دیدار هفت‌روزه وارد جده شد.^(۱) در ۲۶ همین‌ماه قرارداد فرهنگی ایران و عربستان سعودی و همچنین قرارداد تأسیس دانشکده پزشکی ریاض در جده به امضاء رسید. از طرف ایران، دکتر هدایتی و از طرف دولت سعودی، حسن آل‌الشیخ، وزیر معارف عربستان، قرارداد فرهنگی را امضاء کردند. قرارداد تأسیس دانشکده پزشکی دانشگاه ریاض توسط وزیر معارف سعودی و امیر متقی، معاون دانشگاه پهلوی، (از طرف علم، رئیس آن دانشگاه) به امضاء رسید.

براساس قرارداد یاد شده، دانشکده پزشکی دانشگاه ریاض می‌بایست یکصد دانشجو را در سال جذب می‌نمود، اما در سالهای آغازین، این رقم به بیست و پنج نفر محدود شد. در این قرارداد هر دوره تحصیلی مدت هفت‌سال برآورد شده بود و فارغ‌التحصیلان به درجه دکتری در طب یا M.D. نائل می‌شدند. تهیه و تأمین کادر آموزشی دانشکده پزشکی دانشگاه ریاض به‌عهده دانشگاه پهلوی بود. دانشگاه پهلوی می‌بایست در مدت شش‌ماه دانشکده پزشکی ریاض را ساخته و آماده‌کار می‌نمود.^(۲) در ماه شهریور یک هیئت از طرف دانشگاه شیراز وارد ریاض شد و زمین ساختمان دانشکده پزشکی دانشگاه ریاض را بررسی نمود.

هدف دیگر این هیئت از مسافرت به عربستان سعودی مشاوره درباره ساختمان بیمارستان وابسته به دانشکده پزشکی ریاض بود. ریاست هیئت ایرانی را دکتر ابوتراب نصیری، رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز به‌عهده داشت. این هیئت، نه نفر کارشناس و پزشک ایرانی و یک دکتر و یک مهندس سوئدی را شامل می‌شد.^(۳)

در ۲۳ آبان شیخ حسن آل‌الشیخ، وزیر آموزش و پرورش عربستان سعودی، به‌همراه یک

هیئت فرهنگی وارد تهران شدند^(۴) و دو قرارداد فرهنگی با وزارت آموزش و پرورش ایران و دانشگاه پهلوی شیراز به امضاء نهایی رساندند.^(۵) همچنین قرار شد یک بیمارستان سیصد تختخواهی توسط دانشگاه شیراز در ریاض ساخته شود.^(۶) در این سال تعداد پنجاه و پنج نفر از دانشجویان سعودی در دانشگاه پهلوی شیراز تحصیل می‌کردند.^(۷)

موافقتنامه فرهنگی ایران و عربستان که توسط دکتر هدایتی از طرف ایران و شیخ حسن آل‌الشیخ از طرف عربستان سعودی در ۲۳ آبان امضاء شد، شامل یازده ماده بود. در موافقتنامه یاد شده، تشویق به برپا کردن نمایشگاههای آثار علمی، ادبی و تاریخی در دو کشور، تبادل استاد و دانشجو، اعطای بورسهای تحصیلی و کارآموزی به اتباع یکدیگر نیز در نظر گرفته شده بود. مدت اعتبار این موافقتنامه سه سال پیش‌بینی شده و قابل تمدید نیز بود.^(۸)

تصویب این دو قرارداد، اساس مناسبات فرهنگی آتی بین دو کشور گردید، اما این بدان معنی نیست که روابط فرهنگی ایران و عربستان گسترده و متناسب و منطبق با تمام مواد در نظر گرفته شده در قرارداد فرهنگی یاد شده، پیش رفته باشد. در این زمینه نیز همانند مناسبات اقتصادی، روابط خیلی جدی نبود. مناسبات فرهنگی دو کشور را براساس اسناد موجود می‌توان به پنج دسته تقسیم نمود:

۱. اعطای بورسهای تحصیلی و تبادل دانشجو و پیشاهنگ

براساس مواد سوم و چهارم موافقتنامه فرهنگی میان دو وزارتخانه آموزش و پرورش ایران و عربستان به دانشجویان سعودی و ایرانی به‌طور متقابل بورس تحصیلی اعطاء می‌گردید.

۱-۱- دانشجویان ایرانی در عربستان سعودی

نسبت تعداد دانشجویان ایرانی شاغل به تحصیل در عربستان، چه آنهایی که از دولت عربستان بورس دریافت نموده بودند و چه آنهایی که با هزینه شخصی در آنجا تحصیل می‌کردند، همواره نسبت به دانشجویان سعودی در ایران به‌شدت کمتر بوده است. دانشجویان ایرانی در عربستان بیشتر در رشته‌های مذهبی تحصیل می‌کردند. یکی از گزارشهای سالیانه

سفارت ایران در جده که در پایان هر سال خورشیدی تهیه شده و به وزارت امور خارجه ارسال شد، آمده است:

«در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ ق/۴۹-۱۳۴۸ ش. یک نفر دانشجوی ایرانی فارغ‌التحصیل دانشگاه اسلامی مدینه گردید و چهار نفر دانشجوی دیگر در رشته شریعت، دو نفر در رشته اصول دین، یک نفر در رشته مقدمات اولیه دانشگاه مشغول تحصیل می‌باشند.

برای پذیرفتن چهار نفر دانشجوی ایرانی در این دانشگاه فعالیت لازمه به عمل آمد، ولی به سبب نبودن محل، دانشگاه از پذیرفتن آنها برای سال تحصیلی جاری معذرت خواست».^(۹)

سنابه گزارش سال ۱۳۵۱ هیچ‌گونه بورس تحصیلی از طرف دولت عربستان به دانشجویان ایرانی اعطاء نگردید، اما همچنان سه نفر دانشجوی ایرانی در دانشکده امور مذهبی دانشگاه مدینه به تحصیل مشغول بودند.^(۱۰) در ۱۷ تیر ۱۳۵۲ خبرگزاری پارس از قول وزارت علوم و آموزش عالی اعلام داشت: دولت عربستان سعودی تعدادی بورس تحصیلی در رشته‌های شرعیات و تبلیغ اسلامی برای اخذ درجه لیسانس در اختیار وزارت علوم و آموزش عالی [ایران] قرار داده است.^(۱۱) این در حالی بود که سفارت ایران در جده در گزارش سالیانه خود اعلام داشت که مبادله دانشجوی صورت نگرفته است و تنها دو دانشجوی ایرانی در دانشکده امور مذهبی دانشگاه مدینه به تحصیل اشتغال دارند.^(۱۲)

تعداد دانشجویان ایرانی شاغل به تحصیل در عربستان در سال ۱۳۵۵ افزایش یافت: «۱. تعداد ۱۴ نفر در رشته الهیات و یک نفر در رشته مهندسی مشغول تحصیل می‌باشند. ۲. به دانشجویان مذکور کمک هزینه تحصیلی از ایران پرداخت نمی‌شود، زیرا دانشگاه اسلامی مدینه به هر یک از آنها مبلغی بین ۲۵۰ تا ۳۵۰ ریال سعودی در هر ماه پرداخت می‌نماید».^(۱۳)

۲-۱- دانشجویان سعودی در ایران

آمادگی عربستان سعودی برای گسترش روابط فرهنگی با ایران در این زمان دارای یک‌انگیزه سیاسی در سطح منطقه بود. در اواسط دهه ۱۹۶۰ مناسبات سیاسی عربستان با مصر تیره شد، پس کارگزاران سیاسی سعودی نه تنها دیگر هیچ دانشجویی را به قاهره اعزام نکردند،

بلکه دانشجویان سعودی را که در دانشگاههای مصر مشغول به تحصیل بودند، به کشور خود فراخواندند. همزمان دولت ایران با تحصیل این دانشجویان در دانشگاه پهلوی شیراز موافقت نمود. (۱۴) دانشجویانی که از مصر فراخوانده شده بودند، به تدریج تحصیل خود را در دانشگاه پهلوی از بهار ۱۹۶۶ آغاز کردند. (۱۵)

دانشجویان سعودی در ایران بیشتر در رشته پزشکی تحصیل می‌کردند و حتی یک مورد هم دیده نشد که در یکی از رشته‌های مذهبی، یک دانشجوی سعودی به تحصیل در ایران اشتغال داشته باشد.

بنابر گزارشهای سال ۱۳۵۱ دولت ایران با اعطای پنج بورس تحصیلی به اتباع سعودی برای تحصیل در دانشگاه پهلوی شیراز موافقت نمود. (۱۶) در پی آن وزارت امور خارجه عربستان سعودی در نوبت نخست، دو نفر از اتباع خود را معرفی نمود: ۱. خانم طرفه عبدالله ناصر السویدان در رشته پزشکی. او در این زمان در دانشکده علوم دانشگاه شیراز با هزینه شخصی به تحصیل اشتغال داشت. ۲. صالح بن محمد بن عبدالکریم در رشته اقتصاد. (۱۷) در نوبت دوم وزارت امور خارجه عربستان در یک یادداشت فوری، محمد عبدالرحمن القحطانی و عبدالعزیز محمد المنصور را برای تحصیل در رشته زبان و ادبیات فارسی (۱۸) و سپس عبدالله الغفار را برای بورس پزشکی و مساعد خضر الحارثی را برای استفاده از بورس در رشته اقتصاد دانشگاه شیراز معرفی نمود. (۱۹) دانشجویان پذیرفته شده از پرداخت شهریه و هزینه‌های دیگر تحصیلی معاف بوده و در مدت تحصیل می‌توانستند از خوابگاه دانشگاه استفاده کنند و به هر یک از آنان ماهیانه مبلغ سه هزار ریال برای هزینه‌های متفرقه پرداخت می‌شد. (۲۰)

قاعده پذیرش دانشجوی بورسیه از بین اتباع عربستان سعودی به این ترتیب بود که از افراد متقاضی بورس دانشگاه شیراز امتحانی در سفارت ایران در جده به عمل می‌آمد و متقاضیان در صورت قبولی می‌توانستند از بورس تحصیلی دانشگاه پهلوی شیراز استفاده نمایند. صالح بن محمد بن عبدالکریم و مساعد خضر الحارثی در این آزمون ورودی مردود شدند، اما وزارت امور خارجه ایران به هر ترتیب کوشید طرف سعودی رنجیده خاطر نشود، پس در یک یادداشت فوری به سفارت ایران در جده اعلام داشت: «در صورتی که آن سفارت مصلحت اعطای بورس

به نامبردگان را تأکید نماید، برای معرفی آنها به کلاس تقویتی یکساله دانشگاه پهلوی شیراز اقدام به عمل آید. ضمناً... سایر دانشگاههای ایران برای پذیرش دانشجویان بورسیه امتحان ورودی ندارند و در صورت تمایل سه نفر مذکور، می‌توان آنها را در سایر دانشگاهها پذیرفت». (۲۱) در نتیجه وزارت امور خارجه عربستان با خوشحالی و «سپاسگزاری فراوان» از عنایت وزارت امور خارجه ایران افزون بر سه متقاضی مردود شده، دو دانشجوی دیگر را نیز برای شرکت در کلاس تقویتی دانشگاه شیراز معرفی نمود! (۲۲) سال بعد نیز افزون بر دو بورس اعطایی از طرف دانشگاه تبریز، دانشگاه شیراز پنج بورس دیگر در اختیار اتباع سعودی قرار داد. (۲۳)

مناسبات فرهنگی میان ایران و عربستان بیش از جنبه فرهنگی دارای جنبه سیاسی بود؛ این امر نه تنها از آنچه گذشت درک می‌شود، بلکه با بررسی اسناد مربوطه و از جمله پرونده تحصیلی محمد نجیب*، تبعه یمن مقیم عربستان، و فشار مقامهای سیاسی بر مسئولان فرهنگی کشور که به بروز اعتراضهایی از سوی مسئولان دانشگاهی منجر شد، به خوبی آشکار می‌گردد.

در تاریخ ۱۳۵۲/۷/۱۱ دکتر علی‌اکبر حسینی، سرپرست امور پذیرش و ثبت مدارک تحصیلی دانشگاه شیراز، گزارشی به رئیس دانشگاه درباره وضع پذیرش محمد نجیب ارائه داد: ۱. در اوایل فروردین ۱۳۵۲ در سفارت ایران از محمد نجیب برای ورود به دانشگاه شیراز آزمون به عمل آمد، ولی وی مردود گردید.

۲. وزارت امور خارجه در ۱۳۵۲/۲/۹ از مسئولان دانشگاه پهلوی خواست که نجیب را در کلاسهای تقویتی بپذیرند و مسئولان دانشگاه در ۱۳۵۲/۲/۱۲ موافقت خود را با مورد فوق اعلام کردند. «در تاریخ ۵۲/۵/۲۵ طی نامه شماره ۱۷۳۰ جناب آقای جعفر رائد، سفیر شاهنشاه آریامهر در جده، اطلاع داده‌اند که آقای محمد نجیب، تبعه یمن، با استفاده از بورس در تاریخ ۱۳ سپتامبر ۷۳ [۱۹] با هواپیمای سعودی وارد شیراز می‌شود. لازم به توضیح نیست که بورس دانشگاه پهلوی مخصوص کسانی است که در امتحان ورودی توفیق یافته باشند». (۲۴)

یک هفته پس از انتشار گزارش بالا، دکتر فرهنگ مهر، رئیس دانشگاه شیراز، در یادداشتی

خطاب به دکتر عاملی، معاون امور فرهنگی و اجتماعی وزارت امور خارجه، سیاستهای فرهنگی آن معاونت را آشکارا مورد انتقاد قرار داد.^{۲۵}

۳-۱- تبادل پیشاهنگان

در ماده سوم موافقتنامه فرهنگی مورد بحث، تشویق و ترغیب تبادل پیشاهنگان دو کشور در نظر گرفته شده بود. با تکیه بر اسناد مورد بررسی می توان گفت که تبادل پیشاهنگان دو کشور تنها یکبار صورت گرفت. خبرگزاری پارس بیستم آبان ۱۳۵۵ اعلام کرد: «روز گذشته تیم پیشاهنگان سیار منتخب اصفهان و شهرستان نجف آباد که به منظور شرکت در فعالیتهای خدماتی امور حجج ایرانی انتخاب شده اند، به سوی عربستان سعودی عزیمت کردند. این تیم همراه با سایر پیشاهنگان سیار منتخب کشور، در مدت اقامت بیست و شش هزار زائر ایران در شهرهای جده، مدینه، مکه، منا و عرفات، به انجام فعالیتهای امدادی و خدماتی حجج مبادرت می نمایند.»^(۲۵)

۲. دیدار شخصیتها و هیئتهای فرهنگی

بند (و) از ماده دوم قرارداد فرهنگی ایران و عربستان سعودی، سفر گروههای فرهنگی را پیش بینی نموده بود. براساس اسناد موجود در آرشیو وزارت امور خارجه و بولتنهای خبرگزاری پارس، تعداد دیدارهای متقابل از نوع مورد بحث در محدوده زمانی پژوهش تنها به هشت مورد می رسد و اسناد مزبور تنها به یک مورد از آنها به طور به نسبت مفصل پرداخته و نسبت به بقیه دیدارها تنها در حد اشاره چند سطر اکتفا شده است. برای آگاهی از میزان مناسبات فرهنگی دو کشور به تمام هشت مورد به صورت کوتاه اشاره می شود.

۲-۱- بنا بر گزارش سالنامه ۱۳۵۱ که توسط سفارت ایران در جده برای وزارت امور خارجه تهیه شد، در این سال «قبل از موسم حج، هیئتی از طرف دانشگاه اسلام مدینه عازم ایران گردید و مورد پذیرایی سازمان اوقاف ایران واقع شد.»^(۲۶)

۲-۲- در همین سال وزیر فرهنگ سعودی توسط سفارت ایران در جدّه از رؤسای دانشگاههای تهران و شیراز دعوت نمود تا در مراسم فارغ‌التحصیلی دانشجویان دانشگاههای ریاض و ملک عبدالعزیز شرکت نمایند. از این‌رو دکتر جمشید اشرفی، معاون دانشگاه تهران، به اتفاق عباس الرشیدی، رئیس دانشکده ادبیات و علوم دانشگاه شیراز، در ماه آذر به جدّه مسافرت کرده و در جشن نخستین دوره فارغ‌التحصیلی دانشگاه ملک عبدالعزیز شرکت جستند. (۲۷)

۳-۲- در روز چهارشنبه ۱۰ مرداد ۱۳۵۲ یک هیئت وابسته به کمیته امور اسلامی عربستان سعودی به منظور بازدید از کانونهای مذهبی و تبلیغی وارد تهران شدند و در همین روز از دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران دیدار نموده و با رئیس این دانشکده مذاکره نمودند. (۲۸) این گروه همچنین از دارالتبلیغ اسلامی قم بازدید کردند و روز بعد وارد اصفهان شده، پس از ملاقات با مدیرکل اوقاف این استان، به بازدید از آثار تاریخی اصفهان پرداختند. (۲۹) اعضای هیئت یاد شده روز هجدهم ماه وارد مشهد شده و از مسجد گوهرشاد و حرم مطهر امام رضا (ع) دیدن کردند. (۳۰)

۴-۲- دکتر محمد محمدی، رئیس الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، به دعوت وزیر معارف عربستان سعودی و رئیس دانشگاه ریاض در چهارم اسفند ۱۳۵۲ برای بازدید از دانشگاه عبدالعزیز در جدّه و دانشگاه ریاض به عربستان سعودی سفر کرد و مدت دو هفته در این کشور توقف داشت. (۳۱)

۵-۲- مؤسسه پژوهشهای سیاسی و اقتصادی بین‌المللی* در سال ۱۳۵۳ گروهی را به ریاست دکتر عباس امیری به کشورهای کویت، بحرین و عربستان سعودی، برای انجام یک سفر پژوهشی اعزام داشت. (۳۲)

۶-۲- معاونت آموزشی و پژوهشی دانشگاه تهران در نامه‌ای به وزارت امور خارجه ایران اعلام کرد: «در نظر است در ایام تعطیل بین دو نیمسال تحصیلی، هیئتی مرکب از سی نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران از تاریخ ششم بهمن‌ماه ۱۳۵۴ به مدت شش‌روز به کشورهای عربستان سعودی و کویت مسافرت نماید. هیئت مزبور علاقمند است در مدت

اقامت در جدّه و در کویت که هر یک به مدت سه روز خواهد بود، از دانشگاههای جدّه و کویت بازدید به عمل آورده و با استادان دانشگاههای مذکور مذاکره و تبادل نظر نماید». (۳۳) به دنبال این درخواست مقامهای مسئول دانشگاه ملک عبدالعزیز از سفر هیئت مزبور به شدت استقبال نمودند. (۳۴)

۷-۲- یک برگ سند از اسناد آرشیو وزارت امور خارجه از دو سفر متقابل دانشگاهیان ایرانی و سعودی حکایت می‌کند. یک گروه سی و هفت نفری مرکب از دانشجویان و سرپرستان دانشگاه جندی شاپور اهواز به مدت دوازده روز از ۲۴ ژانویه تا ۶ فوریه ۱۹۷۷ با هزینه دانشگاه ملک عبدالعزیز از شهرهای جدّه، مکه و مدینه دیدار نمودند. همین دانشگاه سعودی تصمیم گرفت سی و پنج دانشجو و پانزده استاد دانشگاه را به سرپرستی معاون دانشکده ادبیات برای دیدار از شهرهای شیراز، اصفهان، تهران، سواحل دریای خزر، آبادان و مناطق نفت‌خیز به مدت ده روز در نیمه دوم آوریل ۱۹۷۷ به ایران اعزام نماید. (۳۵)

۳. همکاریهای فرهنگی و علمی

متناسب با ماده اول، بند ج و ماده سوم موافقتنامه فرهنگی دو کشور «می‌بایست تسهیلات لازم برای تنظیم و اجرای برنامه‌های فرهنگی و علمی» و همچنین «تبادل استادان، سخنرانان و نویسندگان» فراهم می‌آمد. اسناد آرشیو وزارت امور خارجه شش مورد از همکاریهای علمی- فرهنگی را نشان می‌دهند. البته اخبار مربوط به شش مورد یاد شده در روزنامه‌های ایران و حتی در بولتنهای روزه خبرگزاری پارس انعکاس نیافت. در بین روزنامه‌های عربستان نیز، تنها روزنامه المدینه این خبر را منتشر کرد. (۳۶) این موارد شش‌گانه عبارتند از:

۱-۳- روزنامه المدینه در ۲۶ فوریه ۱۹۷۴ اعلام نمود که عربستان سعودی در فستیوال بین‌المللی بزرگداشت سیبویه که در ربیع‌الثانی ۱۳۹۴ در شیراز برگزار خواهد شد، شرکت می‌نماید.

در همایش نامبرده، دکتر رشید الراجحه (Dr. Rashid Al-Raje)، رئیس دانشکده حقوق و

مطالعات اسلامی، و سید بکرالکتوی (Sayyed Baker Al-Katwi)، نمایندگی دانشگاه ملک عبدالعزیز را به عهده خواهند داشت. (۳۷)

گزارش سالیانه سفارت ایران در جده در سال ۱۳۵۳، شرکت دکتر ناصر الرشید و دکتر باکلو، از اساتید دانشگاه ملک عبدالعزیز و دانشگاه ریاض، در کنگره بزرگداشت سیبویه راکه توسط دانشگاه پهلوی شیراز برگزار شد، تأیید می نماید. (۳۸)

۳-۲- در سال ۱۳۵۳ حاج شیخ عباس فیض با حمایت سفارت ایران در جده، یکی از کتیبه‌های مسجدالحرام راکه با یکی از پادشاهان پیشین ایران ارتباط داشت، مورد پژوهش قرار داد و در نامه‌ای خطاب به دبیرخانه انجمن آثار ملی ایران، هدف خود را از این پژوهش چنین بیان نمود: «هدف اساسی نگارنده در نگارش تاریخ حرمین، حفظ مفاخر ملی ایران است. بنابراین از تنها کتیبه‌ای که از نام ملوک دست‌نشانده پادشاهان ایران حکایت می‌کند، نمی‌توان چشم پوشید. این کتیبه در پیشانی باب علی (یا باب بنی‌هاشم) در سر راه سعی، نزدیک صفاء، به نام سلطان مرجان با تاریخ ۷۷۲ هجری قرار دارد. نامبرده همان خواجه مرجان است که از جانب سلطان اویس ایلخانی، والی عربستان گشت و به تدریج شبه جزیره عربستان را تحت فرمان درآورد و در بیشتر قبور متبرکه آثاری از خود به جا گذاشت.»

آقای فیض در ادامه نامه خود، به منظور جلب حمایت آن انجمن برای ادامه تحقیقاتش، نوشت: «این کتیبه زبان گویای آن است که رواق حرم از مفاخر ملی ایران است.» (۳۹)

۳-۳- مسئولان دانشگاه ملک عبدالعزیز جده در تاریخ ۱۹ مرداد ۱۳۵۳ در نامه‌ای خطاب به دکتر سیدجعفر شهیدی، از وی برای کنفرانس هفته اسلامی که قرار بود از تاریخ ۱۶ تا ۲۲ فروردین ۱۳۵۴ در مکه برگزار شود، دعوت نمودند: موضوعهای مورد نظر کنفرانس هفته اسلامی به قرار زیر بودند: (۴۰)

۱. مفهوم و روشهای اقتصاد اسلامی

۲. منابع و مراجع معاصر اقتصاد اسلامی

۳. رفتار مصرف‌کننده و شرکتهای تولیدکننده در اسلام

۴. نقش دولتهای اسلامی در اقتصاد جدید

۵. رشد اقتصادی در اسلام

۶. زکات

۷. بانکداری بدون بهره

۸. بیمه در چارچوب شریعت

۹. همکاری اقتصادی دولت‌های اسلامی

در ضمن افزون بر دکتر شهیدی که در این زمان رئیس سازمان لغت‌نامه دهخدا و استاد ادبیات فارسی و عرب در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران بود،^(۴۱) دکتر علی محمد اقتداری و دکتر سهراب بهدادی، معاونان دانشکده‌های علوم اداری و مدیریت بازرگانی و اقتصاد دانشگاه تهران^(۴۲) و نیز دکتر منوچهر فرهنگ^(۴۳) در نخستین کنفرانس اقتصاد اسلامی مکه شرکت نمودند.

۳-۴- از تاریخ ۱۸ تا ۲۳ آبان ۱۳۵۳ ششمین اجلاس کنفرانس عربی مواد مخدر در ریاض تشکیل گردید و از طرف ایران، دکتر حسینعلی آذرخش، مشاور وزیر بهداشت، در آن شرکت نمود.^(۴۴)

۳-۵- وزارت امور خارجه در نامه‌ای به دانشگاه تهران اعلام داشت: «رصدخانه دانشگاه ریاض که با همکاری وزارت دارایی عربستان سعودی، همه‌ساله تقویم متداول در عربستان را که به ام‌القری معروف است، تهیه و منتشر می‌نماید، تصمیم دارد تقویم ایران را نیز به تقویم ام‌القری بیفزاید و چون در کتابخانه‌های عربستان سعودی درباره چگونگی پیدایش و ابداع تقویم هجری شمسی در ایران و فلسفه آن هیچ منبعی موجود نیست، آقای دکتر افضل احمد، مدیر رصدخانه دانشگاه ریاض، همراه با آقای محمد غالب، مدیر چاپخانه دولتی عربستان سعودی در مکه، ابراز تمایل نموده‌اند که در ماه اکتبر ۱۹۷۶ به تهران مسافرت نموده، با صاحب‌نظران ایران درباره تقویم‌های ایرانی و اسلامی و به‌خصوص تقویمی که در حال حاضر در ایران مورد استفاده می‌باشد، مذاکره نمایند.»^(۴۵)

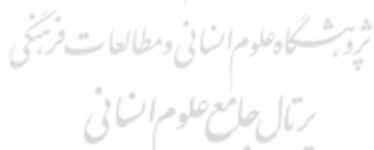
وزارت امور خارجه ایران سپس از دانشگاه تهران خواست که یکی از استادان صاحب‌نظر در این زمینه را برای این امر معرفی نماید.

۳-۶- محمد عبدالرحمن عبداللطیف آل شیخ در آوریل ۱۹۷۴ به عنوان جانشین محمد عبدالرحمن عبدالعزيز آل شیخ که به مدت پنج سال در شیراز به عنوان مستشار فرهنگی عربستان سعودی اقامت داشت، انتخاب گردید. (۴۶)

مستشار فرهنگی عربستان سعودی در تاریخ ۱۳۵۵/۷/۲۰ با اسدالله نصر اصفهانی، استاندار فارس، ملاقات نمود و براساس ماده پنجم موافقتنامه فرهنگی بین دو کشور، درخواست تأسیس یک باب مدرسه عربی را در شیراز مطرح نمود. (۴۷)

ایران نیز به نوبه خود درخواست تأسیس یک باب مدرسه ایرانی را در جده مطرح کرد و سفارت ایران در جده به وزارت آموزش و پرورش ایران توصیه نمود که «اجازه تأسیس مدرسه عربی در شیراز را به عمل متقابل دولت سعودی» موکول نماید. مریم دفتری، مدیرکل دفتر روابط بین الملل وزارت آموزش و پرورش از توصیه سفارت ایران در جده استقبال نموده و درخواست کرد که سفارت ایران اطلاعات لازم را در زمینه تعداد «اطفال لازم‌التعلیم ایرانی، محل استقرار مدرسه ایرانی و هزینه‌های اولیه و مستمر آن» اعلام نماید. (۴۸)

درباره سرانجام این مذاکرات و تأسیس این مدارس، در پرونده‌های مربوطه سندی به دست نیامد.



۴. ورزش

یکی دیگر از مواردی که در ماده دوم، بند ج از موافقتنامه فرهنگی دو کشور در نظر گرفته شده بود، ایجاد تسهیلات لازم برای اجرای برنامه‌های ورزشی بوده است.

براساس اسناد آرشیو وزارت امور خارجه و بولتنهای خبرگزاری پارس، در چارچوب زمانی مورد پژوهش تنها سه حادثه ورزشی میان دو کشور رخ داد:

۱-۴- گزارش سالیانه سفارت ایران در جده برای سال ۱۳۵۳ اعلام داشت: «در سال جاری ورزشکاران ایران به عربستان سعودی مسافرت ننموده‌اند، ولی ورزشکاران سعودی در مسابقات جام تهران شرکت کردند». (۴۹)

۲-۴- «در تاریخ ۱۴/۱۰/۲۵۳۵ تیم ملی فوتبال ایران به منظور انجام [یک] مسابقه در

چهارچوب مسابقات مقدماتی جام جهانی وارد ریاض گردید. مسابقه در تاریخ ۱۷/۱۰/۲۵۳۵ بین تیم ملی فوتبال ایران و تیم فوتبال عربستان سعودی انجام شد و نتیجه سه بر هیچ به نفع تیم ملی فوتبال ایران خاتمه یافت. تیم ملی فوتبال ایران [به هنگام ورود] مورد استقبال و پذیرایی گرم مقامات عربستان سعودی قرار گرفت و در پایان از طرف والا حضرت فهد بن سلطان هدایایی به رؤسای فدراسیون و مربیان و کلیه بازیکنان تیم ملی فوتبال اهدا گردید. (۵۰)

۳-۴- در چهارچوب بازیهای مقدماتی جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین، واپسین بازی در گروه دو آسیا بین دو تیم ملی ایران و عربستان سعودی در دوم اردیبهشت ۱۳۵۶ در استادیوم شیراز برگزار شد. ایران واپسین بازی را با نتیجه دو به صفر از تیم ملی عربستان سعودی برد. (۵۱)

۵. هدایای فرهنگی

در ارتباط با مناسبات فرهنگی دو کشور، از طرف دولت ایران سه بار به مؤسسات فرهنگی عربستان سعودی هدایایی تقدیم شد. در زیر به معرفی این سه مورد، آن اندازه که اسناد وزارت امور خارجه ایران و بولتن خبرگزاری پارس اجازه می دهند، می پردازیم:

۱-۵- خبرگزاری پارس در بولتن ۱۹ آبان ۱۳۴۷ درباره مذاکراتی که میان شجاع‌الدین شفا، معاون وزیر دربار ایران، و رئیس دانشگاه ریاض صورت گرفت، گزارش داد: در این نشست درباره کمکهای مراکز علمی و فرهنگی به دانشگاه ریاض و نیز دانشکده ادبیات و زبان این دانشگاه، مذاکراتی انجام شد. در این جلسه شجاع‌الدین شفا از طرف پادشاه ایران یک مجموعه از کتبی را که مورد نیاز کتابخانه دانشگاه ریاض بود، هدیه کرد. (۵۲) براساس بولتن یاد شده، دانشگاه ریاض قوی‌ترین گروه آموزشی برای زبان و ادبیات عربی را داشت و نیز درس ادبیات و زبان فارسی در این دانشگاه جزء واحدهای اجباری بود.

کرسی استادی ادبیات و زبان فارسی در دانشگاه ریاض در اختیار شخصی بود که در دانشگاه تهران درس خوانده و رساله خود را به زبان فارسی تألیف نموده بود. (۵۳)

۲-۵- براساس گزارش سالانه سفارت ایران در جده برای سال ۱۳۵۱، تعدادی کتاب از جمله فهرست التمدید و عجب الرحلات فی التاریخ برای وزیر فرهنگ و وزرای دیگر و نیز مسئولان

فرهنگی عربستان سعودی ارسال شد. این هدایا چنان توجه آنان را جلب کرد که ارسال کتابهای دیگری را از این دست درخواست نمودند. براساس همین گزارش، تعدادی از دست‌اندرکاران فرهنگ و نیز وابستگان دولت سعودی در سال ۱۳۵۱ به‌طور منظم نشریات ایرانی را دریافت می‌کردند. (۵۴)

۳-۵- در سال ۱۳۵۵ سازمان جهانی جوانان مسلمان در ریاض نمایشگاهی برپا نمود که از طرف وزرای فرهنگ و هنر و نیز اطلاعات و جهانگردی ایران، تعدادی کتاب، نقشه، بروشور، پوستر و پرچم توسط سفارت ایران در جده، به این سازمان اهدا گردید. (۵۵)

۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله، مورد حج و زیارت از مقوله روابط فرهنگی کنار گذاشته شد، زیرا مناسبات دو کشور در ارتباط با حج و زیارت آن قدر گسترده بوده است که امکان پرداختن بدان در یک مقاله وجود نداشت.

از محتوای این مقاله به‌درستی می‌شود نتیجه گرفت که روابط فرهنگی ایران و عربستان سعودی در سالهای یاد شده از چنان سطح پایینی برخوردار بود که هیچ تناسبی با شأن آنها در سطح منطقه نداشت. علت این ضعف از این واقعیت ناشی می‌شد که مناسبات دو کشور از متغیرهای سیاسی بیرونی تأثیر می‌پذیرفت و براساس نیازهای واقعی و وجوه مشترک دو ملت نبود. نتیجه این فرآیند چنان شد که هر دو دولت در روابط خود به مسائل سیاسی برتری دهند و کارگزاران سیاسی دو کشور روابط دو ملت را براساس مشترکات فرهنگی و منافع مشترک در سطح منطقه تعریف نکرده و این روابط را در وجوه مختلف به‌طور گسترده و پایدار پی‌نگیرند.

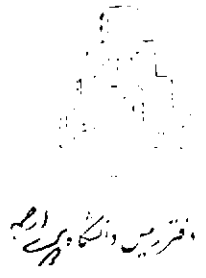
ضمیمه:



شماره ۳۰-۹۰
تاریخ ۲۷/۱۷/۶۲
پرست
کارتن ۲۱
پرند ۸

فردوسی
وزارت امور خارجه
۱۳۰۲

جناب آقای دکتر عالی
معاون محترم وزارت امور خارجه



پیرو مذاکرات تلفنی با مستحضار میرساند :

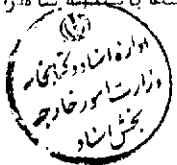
(۱) در تاریخ ۵۲/۷/۱ طنکرافی از آقای عظیمی دریافت شد که در تاریخ سوم مهرماه دانشجویان کویتی با هواپیما از کویت وارد شیراز میشوند . اولاً "فرصت کافی نبود و ثانیاً " روشن نبود چند نفر میآیند معنی زاد ستورد ادم اتوبوس به فرودگاه برود ولسی معلوم شد که فقط سه نفر دانشجوی بودند .

(۲) در تاریخ ۵۲/۵/۲۵ طی نامه شماره ۷۲۰ آقای جعفر رائد سفیر شاهنشاهی آریامه رد رجده اطلاع داده اند که آقای محمد نجیب تبعه یمن با استفاده از سورس در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۷۲ با هواپیماي سخود ی وارد شیراز میشوند . قطعاً " استحضار دارید که بورسهای دانشگاه پهلوی مربوط بدان دانشجویانی است که در دانشگاه پهلوی بتحصیل اشتغال دارند و آقای محمد نجیب بعثت عدم موفقیت در امتحان ورودی نمیتوان از بورس تحصیلی دانشگاهی استفاده کند . معهود ادم که در کلاسهای تقویتی شرکت کند و فعلاً " از خوابگاه وسلف سرورس دبیرستان دانشگاه پهلوی استفاده می کند . صحیح ذکر در این مورد است .

اینجانب و همکارانم کاملاً " و اذیتیم باینکه هر مدتی به این دانشجویان بشود از جنرات مختلف بمصلحت است ولی بدوین شک باید استناد ارد های بین المللی هم رعایت نشود . در گجای دیبا دانشگاه برای یورسیه هاما مور یفردگاه میفرستند ؟ دانشجویان پس از ورود به دانشگاه میروند و ترتیب کارشان را می دهند . نگرانی من این است که اگر قرار باشد این دانشجویان را تا این حد خشک و ترنما کنیم هم نوس شوند (که بعضی از آنها اند) و دم تصور غلط از محبتهای ما بکنند و انتقارات نامعین از بابت نمره و غیره داشته باشند بلکه بنا بر " بعضی هم دارند)

۵ مهر ۱۳۰۲

۱۹۲/۱





(ص ۲)

شماره
تاریخ
پرست



خواهشمند است دستور فرمائید که دستورات لازم در این موارد صادر و ترتیبی داده شود که این مسائل و مشکلات به حداقل ممکن کاهش یابند.

رئیس دانشگاه پهلوی

فرستاده

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پی نوشتها

۱. روزنامه اطلاعات، ۲۳ و ۲۴/۱/۱۳۴۶ برابر با ۱۲ و ۱۳/۴/۱۹۷۶.
۲. آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن ۱۴، پرونده ۱۰، سند های شماره ۲۱۴-۱۳۴۶/۱/۲۶ و ۲۱۶-۱۳۴۶/۱/۲۷.
۳. روزنامه البلاد، شماره ۲۶۱۸-۱۹/۹/۱۹۶۷ و روزنامه الندوه، شماره ۳۶۲۸-۳۰/۹/۱۹۶۷.
۴. خبرگزاری پارس، بولتن ۲۴۱، سه شنبه ۲۳/۸/۱۳۴۶، ص ۷. (میکروفيلم، حلقه ۲۹).
۵. روزنامه الندوه، شماره ۲۶۹۴-۶/۱۲/۱۹۶۷.
6. Iran Foreign Policy Series, No. 2 p. 32.
۷. وزارت امور خارجه، روابط خارجی ایران در سال ۱۳۴۶، گزارش سالیانه وزارت امور خارجه، ص ۴۰.
۸. آرشیو وزارت امور خارجه، کارتن ۱۴، پرونده ۱۰.
۹. پیشین، کارتن ۱۶/۱، پرونده ۱۵، سند ۳۷۵۹-۱۲/۳/۱۳۴۸.
۱۰. پیشین، کارتن ۲۰، پرونده ۱۴.
۱۱. خبرگزاری پارس، بولتن ۲۱۹-۴/۱۷/۱۳۵۲، ص ۶.
۱۲. آرشیو وزارت امور خارجه، کارتن ۲۲، پرونده ۲۱، سند ۳۶۵۴-۱۱/۹/۱۳۵۳.
۱۳. پیشین، کارتن ۲۶/۱، پرونده ۱۲، گزارش های سالیانه.
۱۴. پیشین، کارتن ۱۹، پرونده ۴.
۱۵. پیشین.
۱۶. پیشین، کارتن ۲۰، پرونده ۱۴.
۱۷. پیشین، کارتن ۲۱، پرونده ۸، سند ۷۳۸-۳/۱۰/۱۳۵۲ و ۳۴۲۸-۳۱/۳/۱۳۵۲/۵.
۱۸. پیشین، کارتن ۲۱، پرونده ۸، سند ۱۲۸۶-۴/۲۰/۱۳۵۲.
۱۹. پیشین، کارتن ۲۱، پرونده ۸، سند ۷۹-۲-۲۸/۶/۱۳۵۲.
۲۰. پیشین، کارتن ۲۱، پرونده ۱۸، سند ۵۰۰۲-۳۱/۵/۱۳۵۲/۶/۲۹.
۲۱. پیشین، کارتن ۲۱، پرونده ۸، سند ۶۷۰۰-۳۱/۲۶/۱۳۵۲/۸.

۲۲. پیشین، کارتت ۲۱ پرونده ۸، سند ۳۷۴۲-۱۳۵۲/۱۱/۱۱.
۲۳. پیشین، کارتت ۲۲ پرونده ۲۱، سند ۳۶۵۴-۱۳۵۳/۱۱/۹.
۲۴. پیشین، کارتت ۲۱ پرونده ۸، سند ۹۲۶۸-۱۳۵۲/۷/۱۱.
۲۵. خبرگزاری پارس، بولتن ۲۳۵-۱۳۵۵/۸/۲۰، ص ۲.
۲۶. آرشیو وزارت امور خارجه، کارتت ۲۰، پرونده ۱۴.
۲۷. پیشین.
۲۸. خبرگزاری پارس، بولتن ۲۶۷-۱۳۵۲/۵/۱۰، ص ۷.
۲۹. پیشین، بولتن ۲۷۳-۱۳۵۲/۵/۱۳، ص ۳.
۳۰. پیشین، بولتن ۲۸۴-۱۳۵۲/۵/۱۸، ص ۳.
۳۱. آرشیو وزارت امور خارجه، کارتت ۲۲، پرونده ۲۱: گزارشهای سالیانه، سند ۳۶۵۵-۱۳۵۳/۱۱/۹.
۳۲. آرشیو وزارت امور خارجه، کارتت ۲۲، پرونده ۸.
۳۳. پیشین، کارتت ۲۴، پرونده ۹، سند ۱۴۳۸۴-۲۹/۱۳۵۴/۹/۲۰.
۳۴. پیشین، سند ۴۰۴۰-۲۸/۱۰/۱۳۵۴.
۳۵. پیشین، کارتت ۲۶/۱، پرونده ۱۰، سند ۴۷۹۳-۱۰۰/۶/۲۵۳۵-۱۱/۵.
۳۶. روزنامه المدینه. ۷ اسفند ۱۳۵۲، ص ۳. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۳۷. پیشین.
۳۸. آرشیو وزارت امور خارجه، کارتت ۲۲، پرونده ۲۱، سند ۳۶۵۴-۱۳۵۳/۱۱/۹.
۳۹. پیشین، کارتت ۲۳ پرونده ۳۶، سند ۲۶۵-۱۳۵۳/۲/۱۶.
۴۰. پیشین، کارتت ۲۳ پرونده ۳۶.
۴۱. پیشین، کارتت ۲۲ پرونده ۲۱، سند ۳۶۵۵-۱۳۵۳/۱۱/۹.
۴۲. پیشین، کارتت ۲۳ پرونده ۳۶، سند ۱۶۱۳-۲۹/۱۳۵۳/۱۲/۱۳.
۴۳. پیشین، کارتت ۲۶/۱، پرونده ۱۲، سند ۱۰۵-۱۳۵۵/۱۱/۱۱.
۴۴. پیشین، کارتت ۲۲، پرونده ۲۱، سند ۳۶۵۵-۱۳۵۳/۱۱/۹.
۴۵. پیشین، کارتت ۲۶/۱، پرونده ۱۰، سند ۶۰۹۳-۲۱/۶/۱۳۵۵.

۱۹۶ / فصلنامه تاریخ روابط خارجی ، شماره ۲۱

۴۶. پیشین، کارتن ۲۳، پرونده ۳۶، سند ۱/۸۸/۸/۱۳-۲۴-۱۴ آوریل ۱۹۷۴.

۴۷. پیشین، کارتن ۲۶، پرونده ۶، سند ۲۰۶۷/م-۲۶-۱۳۵۵/۷.

۴۸. پیشین، سند ۱۱۵۵۶-۱۰/۳۰-۲۵۳۵/۱۰.

۴۹. پیشین، کارتن ۲۲، پرونده ۲۱، سند ۳۶۵۴-۱۱/۹-۱۳۵۳.

۵۰. پیشین، کارتن ۲۶/۱، پرونده ۱۲، سند ۱۰۰/۴/۵۰۶۰-۱۱/۲۰-۱۳۵۵.

۵۱. خبرگزاری پارس، بولتن ۳۳-۲/۲-۱۳۵۶.

۵۲. پیشین، بولتن ۴-۱۹/۸/۱۳۴۷، ص ۴.

۵۳. پیشین.

۵۴. پیشین، کارتن ۲۰، پرونده ۱۴، سند ۱۹.

۵۵. پیشین، کارتن ۲۶/۱، پرونده ۱۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی